

# روش‌شناسی جرجی زیدان

## در نگارش تاریخ تمدن اسلامی

عبدالحسین بینش

کارشناس ارشد تاریخ و تمدن اسلامی

و عضو هیأت علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی



### چکیده

جرجی زیدان مورخ و ادیب لبنانی با نگارش کتاب تاریخ تمدن اسلامی تاریخنگاری اسلامی را در صورت و محتوا متحول ساخت. او به جای نگارش «تاریخ نخبگان»، «تمدن اسلامی» را موضوع کار خویش قرار داد و اثری علمی پدید آورد. وی بر این باور بود که تاریخ واقعی یک ملت تاریخ سیاسی و نظامی‌اش نیست؛ بلکه تاریخ فرهنگ و تمدن آن است. زیدان با نگاهی فیلسوفانه و جامعه‌شناسانه به تاریخ، آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و حوادثش را تحلیل کرد. او بر این باور بود که هر تمدنی ظاهری دارد و حقیقتی و با نگاهی ژرف در ظاهر تمدن اسلامی، به آشکار ساختن حقایق آن پرداخت. از مباحث زیدان چنین برمی‌آید که او تمدن اسلامی را مایه خیر می‌دانسته است؛ زیرا در نظر او تمدن اسلامی آفریننده بوده و موجب پیشرفت و ترقی ملل اسلامی شده است. کار زیدان در نوع خود بی‌سابقه است و نه تنها با استقبال شرقیان رو به رو گشت، بلکه به چند زبان غربی نیز ترجمه شد.

کلید واژه‌ها: جرجی زیدان، تاریخ تمدن اسلامی، تاریخ‌نگاری، تاریخ اسلام.

زیدان

سال پنجم - شماره ۱۵

۱۴۲

تمدن اسلامی با همه بزرگی و گستردگی‌اش، تاریخ مکتوبی نداشت و تا سال ۱۹۱۰ م، یعنی زمان نگارش تاریخ تمدن اسلامی جرجی زیدان از آن بی‌بهره بود. تا آن هنگام بیش‌ترین همت و تلاش مورخان اسلامی صرف تواریخ عمومی و سیاسی می‌گردید؛ در حالی که اروپاییان زیر تأثیر تحولات شگرف علمی، با اصول و شیوه‌های نوین به جنبه‌های تمدنی تاریخ و از جمله تاریخ اسلام توجه ویژه نشان می‌دادند. آنان در این زمینه کتابهایی نیز تألیف کردند؛ اما این کتابها بر اثر ناآشنایی غربیان با کهنه تاریخ، زبان و فرهنگ سرزمینهای اسلامی و شرقی، از غنای کافی و صحت قضاوت برخوردار نبود. سرانجام جرجی زیدان، ادیب و مورخ لبنانی، بر نگارش تاریخ تمدن اسلامی همت گمارد. در نگاه نخست، نبود پیشینه و نمونه‌ای از این دست در میان ملل شرقی، انجام چنین کاری را در چشم مغرب زمینیان دشوار می‌نمود؛ اما دانش گسترده و پشتکار فراوان زیدان بدان جامه عمل پوشاند و او اثری پدید آورد که تحسین همگان را برانگیخت و به چندین زبان اروپایی و شرقی ترجمه شد و منبع و الگوی کار بسیاری از تاریخ‌نگاران پس از وی گشت. مقاله حاضر بر آن است تا ارجح و اهمیت این اثر گرانسنگ و نیز روش زیدان در نگارش آن را به بحث بگذارد و نقدهای احتمالی بر آن را مطرح سازد.

### زیدان کیست؟

جرجی زیدان، روزنامه‌نگار، ادیب، داستان‌نویس و مورخ عرب، در چهاردهم دسامبر ۱۸۶۱ م. در عین جنوب، از روستاهای بیروت در کشور لبنان دیده به جهان گشود. خانواده تهیدستش وی را در پنج سالگی به مدرسه فرستادند تا زبان انگلیسی و فرانسه بیاموزد. زیدان یک سال نیز در دانشکده پزشکی بیروت تحصیل کرد؛ اما پس از رهبری تظاهرات سال ۱۸۸۲ م.، که در اعتراض به خودداری دانشگاه از تدریس مواد درسی به زبان عربی انجام شد، ناگزیر لبنان را ترک گفته، رهسپار مصر گردید. در آنجا یک سال نشریه الزمان را اداره کرد. در سال ۱۸۸۴ م. در حمله مصر به سودان، به عنوان مترجم، شرکت جست. در ۱۸۸۶ م. سرپرستی مجله المقتطف را به عهده گرفت و دو سال نیز عهده‌دار مدرسه «العبدیه» قاهره بود. در اواخر سال ۱۸۹۲ م. مجله الهلال را انتشار داد که تا سال ۱۹۱۴ م. ادامه یافت و در آن سال به سبب بروز جنگ اول جهانی متوقف گردید.<sup>۱</sup>

زندگانی علمی زیدان بسیار پر بار بود و آثار فراوانی از خود به جای گذاشت که مهم ترینشان عبارت است از: تاریخ مصر الحدیث، تاریخ التمدن الاسلامی<sup>۲</sup>، تاریخ الماسونیه، تاریخ العرب قبل الاسلام، تراجم مشاهیر الشرق، التاریخ العام، تاریخ انکلترا، تاریخ اليونان والروم، مجلة الهلال، الفلسفة اللغویه، تاریخ اللغة العربیة، انساب العرب القدماء، علم الفراسة الحدیث، طبقات الامم و عجائب الخلق و دوازده داستان تاریخی درباره تاریخ عرب. زیدان عضو افتخاری مجمع علمی، عضو جمعیت آسیایی بریتانیا و نماینده و عضو مجمع آسیایی فرانسه نیز بوده است.<sup>۲</sup>

تاریخ تمدن اسلامی از برجسته ترین آثار زیدان است که نخست به صورت مقاله های مسلسل در مجله الهلال و سپس به صورت کتابی مستقل در پنج مجلد به چاپ رسید. او برای پرهیز از حجیم شدن کتاب، در جلد اول، از ذکر منابع و مآخذ خودداری ورزید؛ اما شبلی نعمانی هندی در نامه ای به زیدان این کار را نقص شمرد و زیدان نیز از جلد دوم به بعد منابع کار خویش را ذکر کرد. چاپهای جدید این کتاب با حواشی دکتر حسین مونس، استاد تاریخ ادبیات دانشگاه قاهره همراه است.<sup>۴</sup>

### اهمیت تاریخ نگاری زیدان

زیدان در ارزیابی تاریخ اسلامی می نویسد: «بدون شک تاریخ اسلام از مهم ترین تاریخهای فراگیر است؛ زیرا در بردارنده تاریخ دنیای متمدن در قرون وسطی است. یا به تعبیر بهتر، حلقه اتصال تاریخ قدیم و تاریخ جدید است که تمدن قدیم با آن پایان یافت و تمدن جدید از آن سر برآورد.»<sup>۵</sup> به راستی اگر بخواهیم شیوه «تاریخ نگاری اسلامی» را نیز به داوری بگذاریم، باید بگوییم که تاریخ تمدن اسلامی زیدان، تاریخ نگاری کهن را به تاریخ نگاری جدید متصل کرد و او با شیوه علمی خود چنان اثری آفرید که در میان آثار پیش و پس از خود یگانه و ممتاز است. به گفته حسین مونس، او حلقه وصل میان نهضت علمی عرب و نهضت استشراق در اروپا و آمریکا بود.<sup>۶</sup> او با اندیشه یویا، منطق واقع گرا و نگرش نوین خود توانست در روایات کهن اسلامی روحی دوباره بدمد و آن را در قالبی علمی ارائه دهد. زیدان سنت تاریخ نگاری اسلامی را متحول ساخت و تاریخی را که پیش از آن تنها از ویژگی سیاسی و نظامی برخوردار بود، بر مبنای تمدن و فرهنگ به نگارش درآورد؛ چرا که

معتقد بود «تاریخ یک ملت، تاریخ جنگها و پیروزیها و شکستهای آن ملت نیست، بلکه تاریخ واقعی هر ملتی، تاریخ تمدن و فرهنگ آن می‌باشد».<sup>۷</sup>

پیش از زیدان، تاریخ‌نگاری اسلامی در اشکال «تاریخ خبر»، «صورت وقایع نگاشتی» و اشکال فرعی یعنی «تاریخ نگاری دودمانی»، «تقسیم برحسب طبقات» و «تنظیم تبارشناختی» خلاصه می‌گردید و آثار تاریخی در قالب «تواریخ عالم»، «تواریخ محلی یا ناحیه‌ای» و «تواریخ معاصر و خاطرات» ارائه می‌گشت.<sup>۸</sup> زیدان نه یک مورخ روایتی، نه یک وقایع‌نگار و نه یک سالنامه‌نگار است. او را باید یک فیلسوف و جامعه‌شناس تاریخ خواند که یکی از دوره‌های مهم تاریخی جهان یعنی دوره تمدن اسلامی را با شیوه‌ای علمی به نگارش درآورده است. وی همچون ابن خلدون، فیلسوف بزرگ تاریخ اسلامی، در پی یافتن علل حوادث بود نه نقل وقایع. او می‌نویسد: «مورخان در نگارش تاریخ اسلام تنها به نقل وقایع مهم می‌پردازند؛ اما به اسباب ارتباط دهنده آنها با یکدیگر کم‌تر اشاره می‌کنند و به گونه‌ای نیست که علت‌یابی و دقت در آنها موجب آسودگی خرد آدمی گردد و یا ذهن خواننده به حقیقت حال آن امت پی ببرد. با وجود این، ما آنان را در این کار معذور می‌پنداریم؛ چرا که اوضاع زمانه آنها را از پرداختن به علل حوادث باز می‌داشته است؛ زیرا رویدادها به گونه‌ای هستند که مورخ باید یکی از دو سوی آنها را پیروز بداند و آنان از همین مطلب پرهیز داشته‌اند. شاید عذرهای دیگری نیز در کار بوده است، اما امروزه دیگر چنین موانعی وجود ندارد».<sup>۹</sup>

زیدان سنتی را در تاریخ‌نگاری بنیاد نهاد که پیش از وی در میان مورخان سابقه نداشت و این کار هر چند با دشواری رو به رو بود؛ اما او تا رسیدن به هدف، آن را دنبال کرد. او خود می‌نویسد: «ما با پشتکار هر چه تمام، درصدد برآمدیم تا عوامل سازنده تمدن اسلامی را بکاویم و اسرار آن را تا جای ممکن آشکار سازیم و این کار را به شیوه‌ای که تاکنون تاریخ‌نگاران عرب بدان دست نیازیده بودند، به انجام رساندیم. ما کوشیده‌ایم تا رویدادها را به اسباب و علل آنها ارجاع دهیم و روابط میان آنها را بیان کنیم و آنها را با احکام عقلی و نوامیس عمران تطبیق دهیم».<sup>۱۰</sup>

به این ترتیب، زیدان با نگاه فلسفی و علمی خویش، تاریخ‌نگاری را هم در صورت متحوّل ساخت و هم در محتوا. او به جای همه اشکال تاریخ‌نگاری، شیوه نگارش تمدنی را

برگزید و با دخالت دادن عنصر عقل و علم، بسیاری از خرافه‌ها و گزافه‌ها را از صحنه تاریخ اسلام زدود. زیدان به جای تاریخ «رویداد نگار» به نگارش تاریخ «مفهومی» و به جای «تاریخ رسمی»، «تاریخ علمی» نگاشت و این شیوه بیش از هر چیز به روشن شدن مسائل مربوط به شئون مدنی و احوال اداری و مذهبی جامعه اسلامی کمک کرده است.<sup>۱۱</sup>

نخستین مورخ اسلامی که نقل نسنجیده حوادث را ناپسند دانست و اعتقاد داشت که رویدادهای تاریخی را باید با موازین نوامیس طبیعت و عمران بشری ارزیابی کرد، ابن خلدون بود. اما شیوه تاریخ نگاری خود ابن خلدون با دیگر مورخان تفاوتی ندارد و از ساختار «سالنگار» برخوردار است. زیدان ایده ابن خلدون را گرفت و آن را در شیوه‌ای جدید برای نگارش تاریخ به کار بست. او می‌نویسد: «برای این منظور کتابهای تاریخی و ادبی را که با اسلوبی ساده و نقل زنجیروار وقایع نگاشته‌اند، مطالعه می‌کنیم و پس از تدبّر در آنچه خوانده‌ایم، فلسفه این تمدن شگفت را همانند نی‌شکر از نی استخراج می‌کنیم؛ چرا که مورخان اسلام، با وجود همه تلاشی که در تحقیق حوادث و تنقیح اسناد و مدارک آنها کرده‌اند، به ارتباط میان آنها توجه کم‌تری نشان داده‌اند و به کشف علل حوادث نپرداخته‌اند و تنها به نقل حوادث برجسته، به ویژه آنچه به سیاست دولت و چگونگی انتقال حکومت از خاندانی به خاندان دیگر، یا از ملّتی به ملّت دیگر و یا از دست‌های به دسته دیگر مربوط می‌شود بسنده کرده‌اند.<sup>۱۲</sup>

البته تمدنی بودن تاریخ زیدان به معنای مغفول ماندن مباحث سیاسی تاریخ اسلام در کار وی نیست؛ بلکه به مفهوم اصل بودن تمدن و فرع بودن سیاست است. او بخش سیاسی تاریخ اسلام را زیر عنوان «سیاست دولتهای اسلامی» به بحث نهاده است. به اعتقاد او، این بخش، مهم‌ترین و دشوارترین پاره کار وی را تشکیل می‌دهد؛ زیرا برای دستیابی به اسباب و علل وقایع سیاسی باید از گردنه‌هایی دشوار گذشت و به ویژه در آنچه به انتقال خلافت از دولتی به دولت دیگر، رقابت بر سر دستیابی به قدرت و نیز تأثیر اختلاف‌های مذهبی در این کار مربوط می‌گردد، پرده‌های ابهام فراوانی باید کنار زده شود.

زیدان مدعی است که این راه دشوار را پیموده و علت بسیاری از وقایع را کشف کرده و با اسلوب بحث فلسفی و احکام عقلی و قیاس‌های تمثیلی به قدر توان خویش حقیقت را روشن ساخته است. او می‌نویسد: «هنگامی که به کار تقسیم و تبویب موضوع پرداختیم،

گردنه دیگری بر سر راه ما قرار گرفت که به دلیل آمیختگی حوادث و تعارض اسباب و علل آنها و اشتراک نتایج و چندگانگی نموده‌هایش و نیز چندگانگی اشکال آنها از حیث دین و نژاد و مکان و زمان، دشواری آن کم‌تر از اول نبود. از این رو، پس از دقت نظر درصدد برآمدیم تا موضوع سیاست اسلامی را از نظر اختلافات عناصر (ملّیت)، هیئت حاکمه و منازعات آنان بر سر حکومت طبقه‌بندی کنیم و اختلاف تمدن اسلامی را با اختلاف آن عناصر در نظر بگیریم. بدین سان، تاریخ اسلام را به دو دوره بزرگ تقسیم کردیم:

دوره نخست: دوره تمدنی است که ما درصدد تبیین آن هستیم. این دوره با ظهور اسلام آغاز می‌شود و با زوال دولت بنی عباس در عراق و آشفته‌گی مملکت اسلامی و تسلط مغولان بر آن پایان می‌پذیرد.

دوره دوم: دوره نهضت سیاسی است که پس از فروپاشی خلافت عباسی، با چیره شدن عثمانیها و احیای خلافت اسلامی از طریق گروههای سُنی و پراکنده اسلامی و نیز ظهور دولت صفوی در ایران و گرد آمدن گروههای شیعی در زیر پرچم آنها، ایجاد گردید.<sup>۱۳</sup>

وی سپس دور نخست را به پنج دوره زیر تقسیم می‌کند:

۱. عصر عربی اول: از ظهور اسلام تا پایان دولت اموی به سال ۱۳۲ ه.؛

۲. عصر ایرانی اول: از قیام دولت بنی‌عباس در سال ۱۳۲ ه. تا خلافت متوکل به سال ۲۳۲ ه.؛

۳. عصر ترکی اول: از خلافت متوکل تا تسلط دیلمیان به سال ۳۳۴ ه.؛

۴. عصر عربی دوم: از ظهور تا سقوط دولت فاطمی؛

۵. عصر مغولی: از وفات چنگیزخان تا درگذشت تیمور لنگ.

آن‌گاه می‌افزاید: اما عصر ترکی دوم، عصر دولت عثمانی است و عصر ایرانی دوم عصر دولت صفویه و جانشینان آنها در ایران است. این بخش، دوره دوم تمدن اسلامی را تشکیل می‌دهد که از دایره بحث ما بیرون است.<sup>۱۴</sup>

در اینجا چند انتقاد بر سخن و کار زیدان وارد است:

۱. این تقسیم‌بندی از تاریخ تمدن اسلامی، در اصل باید در جلد اول صورت می‌گرفت نه

در جلد چهارم؛

۲. اگر موضوع بحث، تاریخ تمدن اسلامی است، چرا باید عنصر سیاسی، یعنی حاکمیت،

موجب محدود شدن تمدن اسلامی به خلافت عباسی گردد؟ در حقیقت سخن زیدان در این باره، کلی و مبهم است و مفهوم روشنی افاده نمی‌کند؛

۳. در حالی که اساساً معیار تقسیم باید تمدنی باشد نه تاریخی، چرا باید از مباحث مربوط به تمدن اسلام در دوران پس از سقوط بنی‌عباس تا زمان حاضر چشم پوشید؟ آیا این به مفهوم تلقی پایان یافتگی تمدن اسلامی نیست؟

حسین مونس، که حاشیه‌هایی بر کتاب زیدان نوشته، با توجه به این موضوع گفته است که شاید علت نپرداختن زیدان به رویدادهای دوران عثمانی و پس از آن، در دسترس نبودن منابع کافی و نیز عدم آشنایی او با زبانهای ترکی و فارسی بوده است.<sup>۱۵</sup> اما با فرض پذیرش چنین توجیهی، اشکال بر زیدان یعنی تقسیم بدون مبنای تاریخ تمدن اسلامی همچنان به قوت خود باقی است.

### اصول روش زیدان

به طور کلی زیدان در نگارش تاریخ تمدن اسلامی سه اصل را مبنای کار خویش قرار داده است: ۱. ریشه‌شناسی تمدن اسلامی؛ ۲. تعلیل حوادث و رویدادهای تاریخی؛ ۳. کشف حقیقت تمدن اسلامی.

#### ۱. ریشه‌شناسی تمدن اسلامی

زیدان در ریشه‌شناسی نهضت عربی و فتوحات اسلامی به این نکته اشاره می‌کند که اعراب عدنانی از استعداد تمدن‌سازی برخوردار بودند؛ ولی به دلیل اشتغال به منازعه‌های داخلی این استعداد امکان بروز نمی‌یافت. این وضعیت همچنان ادامه داشت تا آنکه با یک تهاجم خارجی، آن هم خارجی‌ان متهم، یعنی مردم حبشه در سال موسوم به عام الفیل قرار گرفتند و همین فشار موجب شد که به خود بیایند و راه ترقی خویش را پیدا کنند. او در این باره می‌نویسد: «آنچه مسلم است افراد عادی تا در فشار فقر واقع نشوند، برای معاش تلاش نمی‌کنند و تا خواری نکشند، برای ترقی خود نمی‌کوشند و کم‌تر اتفاق افتاده است که فردی بدون تماس با مردم متمدن و بدون اینکه زیر فشار قرار گرفته باشد، برای پیشرفت و ترقی خود بکوشد. این وضع آحاد مردم است. اما هیئتهای اجتماع، غالباً پس از جنگهای خارجی یا انقلابهای داخلی به هیجان می‌آیند و برای ترقی و تعالی خویش می‌کوشند و البته جنگهای

خارجی در این مورد مؤثر است؛ زیرا در زمان جنگ، ملتها با یکدیگر تماس می‌گیرند و محسّنات و معایب خود را درک می‌نمایند و بالطبع درصدد اصلاح نقیصه‌های خود برمی‌آیند.<sup>۱۶</sup> تأثیر این واقعه نه تنها موجب نهضت ادبی و دینی حجازیان گشت، بلکه در نتیجه آن سیاستمداران و نابغه‌هایی میان آنها ظهور کردند که وجودشان در پیشرفت اسلام مؤثر واقع شد؛ همچنان که پس از انقلاب فرانسه اشخاصی مثل بوناپارت پدید آمدند که در پیشرفت سیاست فرانسه عاملی مهم به شمار می‌آیند.<sup>۱۷</sup>

باری، واقعه عام الفیل، آغاز نهضت اعراب حجاز محسوب نمی‌گردد، بلکه فتح یمن، پیش درآمد و عام الفیل متمم آن نهضت است و در هر حال چه فتح یمن به دست حبشیان موجب نهضت اعراب حجاز باشد و چه آمدن سپاه حبشه با فیلهای جنگی به طرف مکه باعث جنب و جوش آن مردم گشته و چه موجبات دیگری برای آن نهضت بوده باشد، پیش از ظهور اسلام یک نوع غلیان فکری از نظر دین و ادبیات میان اعراب پدید آمده بود که برای پیشرفت اسلام مقدمه لازم و طبیعی محسوب می‌شد و غالب دعوت‌های دینی چنین مقدماتی را دارا هستند. نخست یک نهضت دینی و ادبی در جامعه ایجاد می‌گردد و سپس زمینه انتشار و تأیید دیانت جدید فراهم می‌شود.

زیدان واقعه عام الفیل را یکی از علل طبیعی نهضت اسلامی می‌داند که زمینه‌ساز ظهور مردانی بزرگ و تاریخ‌ساز گشت. وی به طور کلی غلیان فکری در ساحت دین و ادبیات را لازمه طبیعی پیشرفت اسلام - همانند دیگر نهضت‌های دینی - می‌داند. او می‌نویسد: «اتفاقاً در دو قرن پیش از اسلام، همین وقایع برای اعراب پیش آمد و آنان را تکان داده، به فکر ترقی و تعالی انداخت. به این معنا که در آن اوقات سپاهیان حبشه بر یمن دست یافتند و در اواسط سده نخست پیش از هجرت، حبشیها به قصد تسخیر مکه و کعبه به حجاز آمدند. عربهای حجاز به خصوص مردم مکه و قریش تا آن روز چنان خطری را پیش‌بینی نمی‌کردند؛ زیرا هر چه دیده و شنیده بودند، احترام و ستایش سایر قبایل از کعبه و مکه بود؛ ولی همینکه عبدالمطلب، جد پیغمبر اکرم(ص)، پرده‌دار و نگاهبان کعبه از آمدن سپاهیان حبشه با فیلهای جنگی خبردار شد، خود و قومش (قریش) ناگهان دانستند که چه خطر بزرگی متوجه آنان گشته است و مطابق قانون طبیعت، قوای روحی و جسمی خویش را جمع‌آوری کرده، مهیای دفاع شدند و هوشیاری و خردمندی نهان خود را آشکار ساختند و به قدری این پیش‌آمد در



اوضاع مردم حجاز تأثیر داشت که سال واقعه را مبدأ تاریخ قرار داده، عام الفیل (سال پیل) خواندند.»<sup>۱۸</sup>

از دیدگاه زیدان افزون بر غلیان فکری که در ساحت دینی و ادبی اعراب پدید آمد و در حقیقت حکم مقدمه لازم و طبیعی ظهور اسلام را داشت، سه عامل دیگر نیز زمینه‌ساز گسترش و سهولت پذیرش اسلام میان دیگر ملل بود:

اول. اختلافهای دینی میان رومیان: این اختلافها در دوران پیش از اسلام بروز کرد و اوج گرفت و از آنجا که پای منازعه‌های دینی به عرصه سیاست نیز کشیده شد، موجب گردید که دولت و کلیسا - پاسداران دین رسمی - بر مسیحیان فشار آورند و موجبات ناخشنودی آنان را فراهم سازند و کار به آنجا کشید که به دشمنان دولت روم پناه بردند. مسیحیان مصر نیز از مظالم پیشوایان سیاسی و مذهبی روم به تنگ آمده، با سپاهیان اسلام همدست شدند و با کمک به عمرو عاص، آن کشور را به مسلمانان سپردند.<sup>۱۹</sup>

دوم. آشفتگی اوضاع سیاسی - اجتماعی ایران: زیدان در این باره می‌نویسد: «وضع اجتماعی و اخلاقی ایرانیان، پیش از اسلام به منتهای فساد رسیده بود. دین رسمی کشور به چندین شعبه تقسیم شده و هر شعبه‌ای با شعبه دیگر ستیز و جنگ داشت. علاوه بر مذهب زرتشت، مذبههای دیگری به نام آیین مانی و مزدک در ایران پیدا شده بود که آن هم مزید بر نفاق و تفرقه می‌شد و تعلیمات عجیب و غریبی میان ایرانیان شیوع یافته بود. از آن جمله پیروان مزدک می‌گفتند که همه چیز حتی زن، میان مردم مساوی تقسیم می‌شود؛ زیرا همه فرزندان یک پدر و مادر می‌باشند. شگفت آنکه قباد پادشاه ساسانی آیین مزدک را پذیرفت. جمعی نیز از پادشاه پیروی کردند و همین که پادشاه دیگر بر سر کار آمد، آیین مزدک را تحریم نمود و پیروان مزدک را کشت و طبعاً خلاف و نفاق داخلی افزوده گشت و فساد عمومی رو به ازدیاد گذاشت.»<sup>۲۰</sup>

سوم. دشمنی میان مسیحیان و یهودیان: این اختلاف، آشوب و ناامنی را نه تنها در قلمرو رومیان، بلکه در اسپانیا نیز رواج داد. در اسپانیا یهودیان مجبور به گرویدن به کیش مسیحیت گشتند و همین امر موجب کینه‌ورزی آنان نسبت به حکمرانان مسیحی گردید به طوری که هنگام رسیدن سپاهیان مسلمان به اسپانیا، با آنان همدست شدند و دولت مسیحی آن سرزمین را سرنگون ساختند.<sup>۲۱</sup>

## ۲. تعلیل حوادث

زیدان به ویژه در موارد زیر بر علل رویدادهای تاریخ اسلام انگشت می‌گذارد:

### الف. دلایل پیشرفت مسلمانان

پیشرفت سریع مسلمانان از دیدگاه زیدان دارای اهمیتی ویژه است. او درباره علل این

پیشرفت به یازده عامل زیر اشاره می‌کند:

۱. سبکباری و چابکی اعراب؛

۲. ایمان به قضا و قدر؛

۳. زبردستی در تیراندازی و سوارکاری؛

۴. توجه کامل به انتخاب فرمانده سپاه؛

۵. بردباری و پایداری؛

۶. اعتقاد به برتری یافتن اعراب؛

۷. وجود خط بازگشت؛

۸. نفاق و اختلاف داخلی مردم ایران و روم؛

۹. یهود؛

۱۰. دادگستری، پرهیزگاری و خوشرفتاری مسلمانان؛

۱۱. واگذاشتن مردم به حال خود در سرزمینهای مفتوحه.<sup>۲۲</sup>

زیدان در تبیین این علل، با دقت و موشکافی به بیان نمونه‌هایی از تاریخ می‌پردازد که در مواردی می‌تواند به عنوان یک الگوی عملی مورد استفاده قرار گیرد. برای نمونه درباره خط بازگشت چنین می‌نویسد: «عربها در تمام میدانهای جنگ خط بازگشت را از دست نمی‌دادند؛ یعنی برای خود راه گریزی می‌گذاشتند به این قسم که بیابان پشت سر و پناهگاهشان بود و هیچ گاه از آن حدود یعنی خط صحرا تجاوز نمی‌کردند و همین که از ایرانیان یا رومیان شکست می‌خوردند، به صحرای خود پناه می‌آوردند. رومیان و ایرانیان هم یا نمی‌توانستند آنان را دنبال کنند و یا اینکه به تعقیب آنها اهمیت نمی‌دادند. ولی عربها از این عقب‌نشینی نومید نمی‌شدند و دوباره از پناهگاه بیرون جسته، به قتل و غارت می‌پرداختند و آن قدر جنگ و گریز را ادامه می‌دادند تا دشمن را خسته کنند؛ همان طور که در جنگ بوئر، جنگجویان غیر منظم افریقایی و غیره، سپاهیان انگلیسی را با جنگ و گریز

مغلوب می‌ساختند و گاه و بیگاه از کوهستانها بیرون آمده، بر انگلیسی‌ها می‌تاختند و باز به کوهها پناه می‌بردند و از دسترس انگلیسها محفوظ می‌ماندند.<sup>۲۳</sup>

سرداران مسلمان به این موضوع توجه کامل داشتند و یکدیگر را به پیروی از این رویه تشویق می‌کردند؛ چنان‌که مثنی بن حارثه شیبانی از سرداران نامی عرب، هنگام جنگ مسلمانان و ایرانیان در عراق، به سپاهیان اسلامی چنین دستور داد: با ایرانیان در نزدیک‌ترین سرحد ایران و عرب بجنگید و زنهار زنهار که در درون خانه آنها وارد کارزار شوید. بکشید که میدان جنگ در نزدیک‌ترین نقطه سرحدی باشد؛ چرا که اگر پیروز شدید، آنچه گرفته‌اید پشت سر شما و از آن شما خواهد شد و اگر شکست خوردید، به آسانی به خانه خود بازمی‌گردید و راه آمد و شد خود را به خوبی می‌دانید و جنگ و گریز را ادامه می‌دهید تا خداوند فرصت مناسبی بدهد و حمله خود را تجدید کنید.<sup>۲۴</sup>

عمر نیز در تأیید این نظر پیوسته دستور می‌داد که سپاهیان اسلام از دریا نگذرند و خط بازگشت را تا شهر مدینه که مرکز خلافت است محفوظ بدارند و همین که سعد و عمرو عاص مصر و عراق را گشوده، در اسکندریه و تیسفون (مداین) مقیم شدند، عمر این وضع را بر خلاف سنت باستانی عرب دید؛ چون برخلاف مرسوم میان آنان و مدینه، رود دجله و رود نیل فاصله بود. لذا عمر به هر دو سردار خود چنین نوشت: جایی نباشید که میان من و شما آب باشد. در محلی اقامت کنید که هر گاه خواستم بتوانم سوار بر شتر خود بشوم و نزد شما بیایم. عمرو عاص و سعد که این نامه را دریافت داشتند، از اسکندریه و مداین درآمد، در صحرای فسطاط و کوفه چادر زدند و آنجا را اردوگاه ساختند و بعداً این دو محل، هر دو شهر شد.<sup>۲۵</sup>

#### ب. کشف حقیقت تمدن اسلامی

چنان که گفتیم، از دیدگاه زیدان هر تمدنی ظاهری دارد و حقیقتی. ظاهر تمدنها برای همگان قابل مشاهده است؛ مانند ثروت، شکوه، علم، ادبیات و صنعت؛ اما حقیقت تمدن، خیر و شر حاصل از آن است که تنها برای اهل پژوهش قابل آشکار شدن است.<sup>۲۶</sup> وی ظواهر تمدن اسلامی را به امور اقتصادی<sup>۲۷</sup>، علوم و ادبیات<sup>۲۸</sup>، سیاست<sup>۲۹</sup> و نظامهای اجتماعی<sup>۳۰</sup> تقسیم‌بندی کرده و چهار جلد از کتابش را به این امور اختصاص داده است. هدف اصلی او بررسی و توصیف این ظواهر نیست؛ بلکه می‌خواهد از این رهگذر به حقیقت تمدن اسلامی

یعنی خیر و شر حاصل از آن پی ببرد و در هر یک از دوره‌های تاریخ اسلام میزان این خیر و شر و نیز علل و عوامل آن را کشف کند.

برای مثال، در مبحث ثروت و دولت در دوران بنی امیه، پس از نقل میزان و منابع درآمد آن خاندان به این نکته اشاره می‌کند که درآمدهای فراوان مالی موجب شده بود که بنی امیه، سرگرم لهو و لعب گردند و از مسائل اصلی دولت بازمانند و در گزینش والیان دقت لازم را خرج ندهند. گاه کارگزاری با اشاره یک کنیزک دربار یا پرداخت مبلغی هدیه به کارگماشته می‌شد و این امر زمینه رخت بر بستن عدالت را از جامعه فراهم ساخت؛ چرا که اشخاص عادل و درستکار هیچ گاه حاضر به پذیرش مناصب دولتی نبودند.<sup>۲۱</sup>

باری، نگاه زیدان به ظواهر تمدن اسلامی به طور کامل جامعه‌شناسانه و فیلسوفانه است. از نمونه‌های بسیار جالب کار وی در این زمینه بحث درباره ثروت دولت بنی عباس است. او برای تعیین درآمد و هزینه‌های آن دولت به مدارک و شواهد تاریخی بسیار فراوانی استناد و مقدار قریب به یقین آن را برآورد می‌کند. سپس به تحلیل و کارکرد این ثروت در خلافت عباسی می‌پردازد و می‌گوید تا وقتی درآمدهای دولتی به بیت‌المال واریز می‌شد، امور نیز به سامان بود؛ اما پس از آنکه ارتش بر امور چیره و استبداد نظامی حاکم گشت، ثروت از بیت‌المال خارج شد و به دست کارگزاران دولت افتاد. در این هنگام خلفا ناچار بودند برای تأمین هزینه‌های مورد نیاز به غضب و مصادره اموال روی آوردند و یک سنت ناپسند و مخرب اقتصادی بنا نهادند، که سرانجام نیز به سقوط دولت بنی عباس انجامید. او در این باره می‌نویسد: «ممکن است تصور شود که سنگینی مالیاتها موجب انقراض دولت عباسی بود؛ اما چنان‌که در فصول سابق ملاحظه شد، در عصر طلایی عباسیان که علم و ثروت به منتهای کمال رسید، مالیاتها سنگینی از مردم می‌گرفتند و کسی از پرداختن آن شکایت نداشت. بلکه پس از سبک شدن بار مالیات اوضاع اجتماعی و اقتصادی مختل گشت. البته مردم از کم شدن بار مالیات خشنود بودند؛ ولی عیب از آنجا پدید آمد که در اثر تخفیف مالیاتها، درآمد دولت کم شد و در مقابل، طمع رجال دولتی به واسطه زندگانی تجملی رو به فزونی نهاد. طبعاً فساد غلبه کرد و اوضاع اجتماعی رو به تباهی گذاشته، امنیت برطرف گشت و نظر به جهاتی که قبلاً گفتیم مردم دست از کار کشیدند و ثروت عمومی مردم روز به روز کاسته شد تا حدی که برای تأمین منابع رجال سودپرست طمعکار، منبعی باقی نماند.

مأمورین دولتی در وصول و ایصال مالیاتها به زور و جبر و قهر متوسل گشتند و روزگار مردم را پریشان ساختند به قسمی که از جان خود سیر شدند...»<sup>۲۲</sup>

وی آن‌گاه برای اثبات اینکه اخذ مالیات موجب ویرانی نیست، انگلستان را مثال می‌زند که با وجود اخذ مالیاتهای بسیار سنگین از مردم به وسیله دولت، اوضاع اقتصادی دولت و مردم بسیار ثابت است. او سرانجام از همه این مقدمه‌چینیها به این نتیجه می‌رسد که آنچه موجب اختلال اوضاع اقتصادی می‌شود، ظلم است؛ زیرا مردم را از کار بازمی‌دارد و ارکان دولت را در هم می‌شکند. کشاورز از کشاورزی، بازرگان از بازرگانی و صنعتگر از صنعت خود بازمی‌ماند. طبیعی است که تا مردم کار نکنند، ثروت به دست نمی‌آید و تا عدالت امنیت نباشد، کارها رو به راه نخواهد بود و از این جهت گفته‌اند: «اساس هر مملکتی بر عدالت استوار است.»<sup>۲۳</sup>

### ج. چگونگی انتقال خلافت اسلامی به امویان

از رویدادهای شگفت‌انگیز تاریخ اسلام، انتقال خلافت اسلامی به بنی امیه است. بنی امیه‌ای که سرسختانه با پیامبر (ص) مبارزه کردند و تا آخرین لحظه ممکن از پذیرش اسلام سر باز زدند و تنها با فشار و قدرت نظامی به اسلام گردن نهادند. چگونه توانستند زمام دولت اسلامی را به دست گیرند؟

زیدان در پی جویی علل این حادثه به این موضوع اشاره می‌کند که رقابت مردم مکه و مدینه موجب شد تا پس از بیعت مردم با علی (ع)، مخالفان وی مدینه را به سوی مکه ترک گفته، علیه آن حضرت دسیسه‌چینی کنند. پس از آن، انتقال مرکز خلافت از مدینه به کوفه، موجب شد تا علی (ع) مردمانی با وفا را از دست بدهد و گرفتار مردمان بی‌حمیت کوفه گردد. از آن سو، معاویه با برخورداری از حمایت قبیله پرقدرت و پرشمار بنی امیه، بسیاری از رجال کاردان و دنیاطلب را پیرامون خود گردآورد و علی (ع) را در جنگ با خود ناکام گذاشت. موفقیت معاویه در تثبیت پایه‌های قدرتش در شام او را از چنان موقعیتی برخوردار ساخت که حسن بن علی (ع) را که مردم پس از شهادت پدرش با او بیعت کرده بودند، وادار به کناره‌گیری ساخت و به این ترتیب، زمینه برای حکومت بنی امیه فراهم آمد. زیدان آن‌گاه به تشریح حکومت امویان و بیان علل روی کار آمدن آنها می‌پردازد و علل ذیل را

برمی‌شمرد:

۱. گرد آمدن سیاستمداران کاردان عرب مثل عمرو عاص، بر گرد معاویه؛
۲. برکنار بودن علی(ع) از حیلہ بازی سیاسی و افسون و فسانه دنیوی؛
۳. بذل و بخشش فراوان معاویه و دیگر حکمرانهای اموی؛
۴. حیلہ گری، مکاری و سیاست بازی بنی امیه و دست یازیدن به هر کاری برای پیش بردن مقاصد پلید خود.

زیر تأثیر همین ایده، یعنی پرداختن به اسباب و علل رویدادها، زندگینامه خلفای اموی و عباسی، مگر آنجا که به ماهیت این دو خاندان و کارکرد عمومی آنها مرتبط است، برای زیدان حائز اهمیت نیست. او بیش تر به علل پیدایی، تداوم و سقوط آنها اشاره می کند. عیاشی و خوشگذرانی حاکمان این دو خاندان از علل ضعف و نابودی آنها بود؛ اما آنچه سقوط خاندان بنی عباس را به تأخیر انداخت، انتساب این خاندان به بنی هاشم بود که مردم را از درافتادن با خلافت ایشان بازمی داشت تا آنکه مهاجمان مغول به عمر بلند خلافتشان پایان دادند.

#### د. علت توقف مسلمانان در اروپا

از نگاه جرجی زیدان علت اصلی توقف پیشروی مسلمانان در اروپا، شکست آنان در برابر فرانسه بود و چنانچه مسلمانان حاضر در اسپانیا در جنگ با این بزرگ ترین کشور اروپایی پیروز می شدند، امروز همه اروپاییان مسلمان بودند و - همانند دیگر جاهای فتح شده - به زبان عربی سخن می گفتند.<sup>۳۴</sup>

#### نقد

با وجود همه مزیتها، زیدان و کار او از نقد و قدح برکنار نمانده است. ما در اینجا مهم ترین آنها را یادآور می شویم:

۱. از مسیحی بودن زیدان که بگذریم، برخی نویسندگان وی را با روح عربیت نیز بیگانه دانسته اند. محمد حسنین هیکل درباره زیدان می نویسد: «جرجی به ملت عرب راه نیافته است تا بتواند آن را در مقابل دیدگانش باز کند، در آن به جست و جو بپردازد و ظرافتش را بشناسد».<sup>۳۵</sup>

شوقی ابو خلیل اتهامهای زیر را به زیدان وارد می کند:

- دایر کردن مدارس تبشیری مسیحی در لبنان؛

- عضویت در سازمان جاسوسی بریتانیا؛

- سفر طولانی به اروپا؛

- ارتباط با مستشرقان؛

- نامعلوم بودن منبع بودجه‌های مجله الهلال؛

- ستایش مستشرقان از کار زیدان و تکیه او بر نوشته‌های اروپاییان.

البته لازم به یادآوری است که این موارد چندان ارتباطی با تاریخ‌نگاری زیدان یعنی

موضوع بحث حاضر ندارد.

۲. برخلاف بیش‌تر مؤرخان اسلامی و نیز شمار بسیاری از مورخان فرنگی که داستان

کتاب‌سوزی اسکندریه به دست مسلمانان را مجعول و مردود می‌شمارند، وی به شدت از

این نظریه جانبداری می‌کند.<sup>۳۶</sup>

۳. او نیز همچون دیگر نویسندگان سطحی‌نگر، حمله مغولان به بغداد و برجیده شدن

بساط خلافت اسلامی را به دسیسه‌چینی مؤیدالدین ابن علقمی، وزیر شیعی مستعصم عباسی

نسبت می‌دهد.<sup>۳۷</sup>

### نتیجه‌گیری

روش جرجی زیدان در تاریخ تمدن اسلامی، آغاز تحولی بنیادی در نگارش تاریخ

است؛ تحولی که بیش‌تر جنبه علمی دارد و از حواشی کلامی و تعصبات قومی و مذهبی دور

است. اثر زیدان نمونه کامل یک جامعه‌شناسی تاریخی است و اصول و قواعدی که از این

رهگذر به دست می‌دهد، بیش از آنکه جنبه عبرت‌آموزی عمومی داشته باشد، جنبه

کاربردی و علمی دارد. زیدان با تغییر در روش نقل تاریخ آن را از یکنواختی بیرون آورد و

تنوع بخشید. چه خوب است این روش سرمشق جامعه علمی ما شود و تاریخ نه برای

سپردن به ذهن و انباشت نقلهای گوناگون، بلکه برای افزایش شناخت ارائه گردد. نکته مهم

دیگر اینکه کار زیدان ناتمام مانده و به پایان خلافت عباسی در بغداد محدود گردیده است.

با توجه به اینکه بخش چشمگیری از منابع تاریخ اسلام در آسیا به زبان فارسی است،

شایسته است که در این زمینه کاری علمی و جدی صورت پذیرد.

## پی نوشتها:

۱. ر. ک. کیالی، عبدالوهاب، موسوعة السياسة؛ مصاحب، غلامحسین، دایرة المعارف فارسی؛ کخاله، عمر رضا، معجم المؤلفین، مکتبة المثنی، بیروت، بی تا، ج ۳، ص ۱۲۵.
۲. این اثر به وسیله آقای علی جواهرکلام به فارسی ترجمه شده است. نگارنده نیز بخشهای ترجمی را از این کتاب نقل کرده است.
۳. زرکلی، خیرالدین، الاعلام، چاپ سوم، بی جا، بی تا، ج ۲، ص ۱۰۸ - ۱۰۹.
۴. ر. ک. زیدان، جرجی، تاریخ التمدن الاسلامی، دارالهلال، بی جا، بی تا، ج ۱، ص ۵ - ۱۱.
۵. ر. ک. پیشین، ج ۱، ص ۱۲.
۶. پیشین، ج ۱، ص ۱۲.
۷. پیشین.
۸. ر. ک. روزنتال، فرانتس، تاریخ تاریخنگاری در اسلام، ترجمه اسداله آزاد، انتشارات آستان قدس، چاپ دوم، ج ۱، فصلهای سوم و پنجم.
۹. ر. ک. زیدان، پیشین، ج ۱، ص ۱۳.
۱۰. پیشین، ج ۴، ص ۷.
۱۱. زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ ایران بعد از اسلام، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۲، ص ۱۴۷.
۱۲. زیدان، پیشین، ج ۴، ص ۷ - ۸.
۱۳. پیشین، ص ۹.
۱۴. پیشین، مقدمه ج ۴، ص ۸ و ۹.
۱۵. پیشین، ج ۱، ص ۴۱.
۱۶. پیشین، ص ۴۲ و ۴۳.
۱۷. پیشین، ص ۴۲ - ۴۳.
۱۸. پیشین، ص ۴۱.
۱۹. پیشین، ص ۴۹ و ۵۰.
۲۰. پیشین، ص ۵۰.
۲۱. پیشین، ص ۵۵.
۲۲. پیشین، ج ۱، ص ۷۲ - ۸۲.
۲۳. پیشین، ص ۷۷.
۲۴. پیشین.
۲۵. پیشین، ص ۷۸.
۲۶. پیشین، ج ۲، ص ۱۱.
۲۷. ر. ک. جلد دوم تاریخ تمدن اسلامی مباحث: ثروت دولت اسلامی و ثروت دولتمردان و خلفا و اسباب آن ثروت و نیز علل نابودی آن و نیز ثروت مملکت و شهرها و روستاهای قلمرو اسلامی.
۲۸. جلد سوم تاریخ تمدن اسلامی مباحث: علوم و ادبیات عرب پیش از اسلام، علوم و ادبیات اسلامی، علوم و ادبیات بیگانگان در میان مسلمانان. علوم پزشکی، ستاره‌شناسی، ریاضیات و طبیعیات در اسلام مدرسه‌ها و کتابخانه‌های اسلامی.
۲۹. جلد چهارم تاریخ تمدن اسلامی مباحث: سیاست دولتهای اسلامی و کشمکش رجال سیاسی برای فرمانروایی، وضع حکومت خلفای راشدین، امویان، عباسیان، امویان اندلس، فاطمیان، و سیاست هر یک از این حکومتها برای استحکام بخشیدن



- مبانی فرمانروایی و رفتار آنان با مردم، به ویژه خلفای عباسی و روابط آنان با ایران و سلاطین غیر عرب.
۳۰. ر. ک. جلد پنجم تاریخ تمدن اسلامی مباحث: نظامات اجتماعی و طبقات مردم و عادات و رسوم اجتماعی و زندگی خانوادگی و تمدن و تجمل در ممالک اسلامی و آثار عمران در شهرها و دستگاه و جلال فرمانروایان اسلام.
۳۱. ر. ک. زیدان، پیشین، ج ۲، ص ۱۳۱.
۳۲. پیشین، ص ۱۶۵ و ۱۶۶.
۳۳. پیشین.
۳۴. پیشین، ص ۱۱۴.
۳۵. شوقی ابو خلیل، زیدان فی العیزان، دارالفکر، ص ۱۵ به نقل از اوقات الفراغ، محمد حسنین هیکل، ص ۲۲۲.
۳۶. ر. ک. زیدان، پیشین، ج ۴، ص ۴۲ - ۵۱.
۳۷. ر. ک. پیشین، ج ۴، ص ۲۴۴.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی